

## درس اول

## زنگ آفرینش

ستایش: یاد تو  
حکایت: اندرز پدر

## تاریخ ادبیات

<p>حکیم ابومحمد یوسف، شاعر نامدار ایرانی معروف به نظامی در شهر گنجه از شهرهای جمهوری آذربایجان به دنیا آمد. در جوانی به تحصیل ادب، قصص و تاریخ همت می‌گماشت. داستان‌پردازی در منظومه‌های او به اوج رسید. آثارش عبارت‌اند از: مخزن‌الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر، اسکندرنامه</p>	<p>نظامی گنجوی (۶۱۴-۵۳۰ ه. ق)</p>
<p>معروف به پیرهرات، در قرن پنجم در هرات به دنیا آمد. در جوانی علوم دینی و ادبی را فرا گرفت. به عربی و فارسی شعر می‌سرود. شهرت وی به جهت کتب مشهوری است که نوشته است. از جمله تفسیری بر قرآن دارد که اساس کار رشیدالدین میبدی در تألیف تفسیر «کشف‌الاسرار» قرار گرفته است. نثر خواجه عبدالله آهنگین «مسبّح» است. از آثار او می‌توان به مناجات‌نامه و الهی‌نامه اشاره کرد.</p>	<p>خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱-۳۹۶ ه. ق)</p>
<p>از عارفان مشهور قرن هشتم و از علما و فضیلتی تبریز است که نوشته‌ها و سروده‌هایی در زمینه عرفان اسلامی دارد. معروف‌ترین اثر شعری او گلشن راز است.</p>	<p>شیخ محمود شبستری (وفات ۷۲۰ ه. ق)</p>
<p>استاد دانشگاه و شاعر معاصر، در سال ۱۳۳۸ در گتوند خوزستان متولد شد. دیپلم خود را در شهر دزفول گرفت و ابتدا در رشته پزشکی و جامعه‌شناسی پذیرفته شد ولی هر دو را رها کرد و به ادبیات روی آورد و در این رشته به درجه دکتری نایل شد. وی از شاعران موفق پس از انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید. از آثار او می‌توان «در کوچه آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو و آینه‌های ناگهان» را نام برد. این استاد و شاعر خوش‌نام، دریغا که به ناگهان و زود چشم از جهان فرو بست. وی در پاییز ۱۳۸۶ وفات یافت.</p>	<p>قیصر امین‌پور (۱۳۳۸-۱۳۸۶ ه. ش)</p>
<p>شیخ، گلستان را به سال ۶۵۶ ه. ق آفرید. گلستان به یقین یکی از درخشان‌ترین و استادانه‌ترین نمونه‌های نثر پارسی است که پس از گذشت قرون متمادی هنوز اثری که از حیث فن نگارش و محتوا یارای برابری با آن را داشته باشد، خلق نشده است.</p> <p>نثر گلستان مسبّح است؛ یعنی نثری که گوشه چشمی نیز به شعر دارد. زیبایی سبک نگارش گلستان آن‌چنان در پهنه ادب سرزمین ما به جلوه‌گری پرداخته که بسیاری را به دام تقلید از آن کشانده است.</p> <p>در میان تقلیدکنندگان معتبر سعدی می‌توان از جامی (صاحب بهارستان)، قانّی، (پدیدآورنده پریشان) و هم‌چنین قائم مقام (صاحب منشآت) نام برد. گلستان علاوه بر دیباجه، دارای هشت باب است که آمیخته به نظم و نثر است. باب‌های گلستان عبارت‌اند از: ۱- سیرت پادشاهان ۲- در اخلاق درویشان ۳- در فضیلت قناعت ۴- در فواید خاموشی ۵- در عشق و جوانی ۶- در ضعف و پیری ۷- در تأثیر تربیت ۸- در آداب صحبت</p>	<p>گلستان سعدی</p>

## واژگان

ستایش: یاد تو	استوار: محکم، پابرجا	حرم: گرداگرد کعبه و اماکن مقدّس
سرآغاز: اول هر چیزی، آغاز، شروع	نگاهدار: مراقب و پشتیبان باش.	زنجیره: نوعی حشره که از خود صدا تولید می‌کند، سیرسیرک
نامه: در این جا «کتاب»	پریشان: نگران، آشفته	کام: آرزو، میل، خواسته
مونس: همدم، یار	زنگ آفرینش	حکایت: اندرز پدر
روان: روح، جان	غوغا: آشوب و فریاد، هممه	اندرز: بند، نصیحت
کارگشا: حل کننده مشکلات، آسان کننده کارها	انگار: گویی، مثل این که	ایام: ج یوم، روزها
هست کن: به وجود آورنده، پدید آورنده، آفریننده	شینم: قطره‌ای شبیه دانه باران که شب روی برگ گل و گیاه می‌نشیند، زاله	طفولیت: کودکی، خردسالی
اساس: پایه، بنیاد	برخاست: بلند شد	متعبد: شکرگزار، عبادت کننده
کوته: مخفّف کوتاه	ذره ذره: کم کم	شب خیز: شب زنده دار، آن که در شب برای عبادت بیدار می‌شود.
درازدستی: ستمگری، زورگویی	غلتید: از پهلویی به پهلوی دیگر گشت، غلت زد، به روی خود چرخید	رحمة الله علیه: خداوند او را رحمت کند.
نانموده: آشکار نشده، پنهان	ابد: جاودان، همیشگی، زمانی که آن را نهایت نباشد.	دیده: چشم
نانوشته: نوشته نشده	دل تنگ: اندوهگین، غمگین	مصحف: کتاب، کتاب آسمانی، قرآن کریم
عنایت: بخشایش، لطف، توجه، احسان	فارغ: آسوده، راحت	خفته: خوابیده
ظلمت: تاریکی	رها: آزاد، آسوده	دوگانه: منظور نماز صبح
شرح نثر خواجه عبدالله انصاری	رهسپار: راهسپار، راهی، عازم، روانه	غفلت: بی خبری، ناآگاهی
دانایی: خردمندی، آگاهی	افق: کرانه آسمان	در پوستین خلق افتادن: کنایه از غیبت کردن
بینایی: بصیرت، بینش، آگاهی	پیغمبر: پیغام‌بر، پیام‌آور	
دست گیر: کمک کن، مددکن	گلدسته: مناره	
دست‌آویز: آنچه از آن کمک می‌گیرند، تمسک	زائر: دیدارکننده، زیارت کننده	
توفیق: سازگاری، موافقت		

## معنی و مفهوم درس

### ستایش: یاد تو

#### ای نام تو بهترین سرآغاز بی‌نام تو، نامه کی کنم باز؟

ای خدایی که اسم تو بهترین سرآغاز برای آغاز کارهاست. من بدون نام و یاد تو، این کتاب را شروع نمی‌کنم.

دش‌های **دب**: سرآغاز، باز: قافیه / بیت سه جمله دارد: ای (خدا)، نام تو بهترین سرآغاز (است)، بی‌نام تو نامه کی کنم باز؟ / ای حرف ندا و منادا (خدا) حذف شده است.

#### ای یاد تو مونس روانم جز نام تو، نیست بر زبانم

ای خدایی که یاد تو همدم روح من است، من فقط تو را ستایش می‌کنم و نام تو را بر زبان می‌آورم.

دش‌های **دب**: روانم، زبانم: قافیه / ای حرف ندا و منادا (کسی که، خدا) حذف شده است / روانم و زبانم به صورت روان من و زبان من خوانده می‌شوند و «م» مضاف‌الیه است.

#### ای کارگشای هر چه هستند نام تو، کلید هر چه بستند

ای خدایی که حل کننده مشکلات موجودات هستی، نام تو همانند کلیدی است که همه درهای بسته مشکلات را باز می‌کند.

دش‌های **دب**: هستند، بستند: قافیه / مصراع دوم تشبیه دارد: نام تو مانند کلید است.

### ای هست کُن اساس هستی کوتاه ز دَرَت، درازدستی

ای به وجود آورنده جهان، هیچ کس نمی‌تواند به تو ستم کند و زور بگوید.

**دانش‌های دین:** هستی، درازدستی: قافیه / درت: درگاه تو، ت ضمیر پیوسته و مضاف‌الیه است. / فعل است در مصراع دوم حذف شده است.

### هم قصه نانموده، دانی هم نامه نانوشته، خوانی

خداوندا، تو از همه قصه‌های آشکار نشده و کتاب‌های نوشته نشده، آگاه و باخبری.

**دانش‌های دین:** دانی، خوانی: قافیه / قصه نانموده و نامه نانوشته: مفعول / نموده از مصدر «نمودن» آمده است.

### هم تو، به عنایت الهی آن‌جا، قدم رسان که خواهی

خدایا، با لطف و محبت خدایات، مرا به آن مقام و جایگاه برسان که می‌پسندی.

**دانش‌های دین:** الهی، خواهی: قافیه / رسان ← برسان (از مصدر رساندن) // خواهی از مصدر خواستن است. / قدم: قدم من را، «م» مضاف‌الیه است.

### از ظلمت خود، رهایی‌ام ده با نور خود آشنایی‌ام ده

خدایا، مرا از تاریکی‌های (گمراهی، جهل) درونم نجات بده و مرا با نور و روشنایی خود آشنا کن.

**دانش‌های دین:** رهایی‌ام، آشنایی‌ام: قافیه / ده: ردیف / ظلمت و نور: متضاد / خود در مصراع اول، انسان یا شاعر و در مصراع دوم خداوند است.

(قالب شعر: مثنوی)

### شرح نثر خواجه عبدالله انصاری

الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم.

خدایا، به ما جرئت بده تا در راهت جان را فدا کنیم و جانی به ما بده که با نیروی آن، آخرت خود را بسازیم.

**دانش‌های دین:** جان بازیم: کنایه از فدا کردن جان، شهادت / عبارت ۵ جمله دارد. / بازیم از مصدر «باختن» و سازیم از مصدر «ساختن»

است.

دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا، در چاه نیفتیم.

خدایا به ما آگاهی، دانش و بصیرتی بده تا گمراه نشویم.

**دانش‌های دین:** منظور از راه در این بیت، راه راست و راه درست است. / چاه در این بیت منظور گمراه شدن و گرفتار دام‌های دنیایی

شدن است. / راه و چاه: در این بیت تضاد

دست گیر که دست آویز نداریم، توفیق ده، تا در دین استوار شویم.

خدایا، ما را یاری کن زیرا کمک‌کننده و یاری‌گری غیر از تو نداریم، امکان آن را فراهم کن تا در راه دین، محکم و پایدار باشیم.

**دانش‌های دین:** دستگیری کردن: کنایه از کمک کردن

نگاه دار تا، پریشان نشویم.

مراقب ما باش تا پریشان و آشفته‌حال نشویم.

**دانش‌های دین:** نگاه داشتن: کنایه از مراقبت و محافظت کردن است.

(نوع نثر: مُسَجَّع)

\*\*\*

### جهان، جمله فروغ روی حق دان حق اندر وی ز پیدایی است پنهان

همه جهان را نوری از روشنی روی خدا بدان که در آن وجود خداوند از شدت آشکار بودن، پنهان به نظر می‌رسد.

**دانش‌های دین:** جهان: مفعول / پنهان: مُسند / حق در مصراع اول مضاف‌الیه و در مصراع دوم نهاد است.

زنگ آفرینش

صبح یک روز نوبهاری بود / روزی از روزهای اول سال  
 بچه‌ها در کلاس جنگل سبز / جمع بودند دور هم، خوش حال

صبح یکی از روزهای فروردین‌ماه (سال نو) بود. بچه‌ها در کلاس جنگل سبز شاد و خوش حال، دور هم جمع شده بودند. **دانش‌های دایه** «سال، خوش حال/ قافیه/ دو بیت ۴ جمله دارد./ در جمله دوم فعل «بود» و در جمله چهارم «بودند» از جمله حذف شده است (روزی از روزهای اول سال (بود.)، دور هم خوش حال (بودند))»

بچه‌ها گرم گفت‌وگو بودند / باز هم در کلاس، غوغا بود  
 هر یکی برگ کوچکی در دست / باز انگار، زنگ انشا بود

بچه‌ها مشغول صحبت بودند و دوباره کلاس شلوغ بود. هر یک از آن‌ها برگ کوچکی در دست داشت. انگار دوباره زنگ انشا بود. **دانش‌های دایه** «غوغا، انشا/ قافیه/ بود: ردیف/ گرم گفت‌وگو بودن: کنایه از مشغول صحبت بودن/ در مصراع سوم فعل داشت حذف شده است.»

تا معلم ز گرد راه رسید / گفت با چهره‌ای پر از خنده،  
 باز موضوع تازه‌ای داریم / «آرزوی شما در آینده چیست؟»

همین‌که معلم وارد شد، با لبخند گفت: دوباره موضوع انشای تازه‌ای داریم، «آرزوی شما در آینده چیست؟» **دانش‌های دایه** «خنده، آینده/ قافیه/ ز گرد راه رسیدن: کنایه از تازه وارد شدن، لحظاتی پیش وارد شدن/ «ز» در مصراع اول مخفف از/ در مصراع سوم، موضوع تازه‌ای: مفعول

شب‌نم از روی برگ گل، برخاست / گفت: می‌خواهم آفتاب شوم  
 ذره ذره به آسمان بروم / ابر باشم، دوباره آب شوم

شب‌نم (قطره صبحگاهی) از روی برگ گل بلند شد و گفت: من دوست دارم مثل آفتاب شوم، کم کم به آسمان بروم و مثل ابری شوم و دوباره به باران تبدیل گردم.

**دانش‌های دایه** «آفتاب، آب: قافیه/ شوم: ردیف/ آفتاب شدن شب‌نم: کنایه از رشد و تعالی یافتن/ آسمان، ابر و آفتاب: تناسب یا مراعات نظیر/ برخاستن شب‌نم و گفتن او: تشخیص/ بروم از مصدر «رفتن» آمده است.»

دانه آرام بر زمین غلتید / رفت و انشای کوچکش را خواند  
 گفت: باغی بزرگ خواهم شد / تا ابد سبز سبز خواهم ماند

دانه آرام آرام روی زمین غلت خورد و رفت و انشای کوچکش را خواند. گفت: من به باغ بزرگی تبدیل خواهم شد و همیشه تازه و شاداب خواهم ماند.

**دانش‌های دایه** «خواند، ماند: قافیه/ انشا خواندن دانه و گفتن او: تشخیص (جان‌بخشی)/ باغی بزرگ: مسند/ خواهم شد: فعل اسنادی

غنچه هم گفت: گرچه دل تنگم / مثل لبخند، باز خواهم شد  
 با نسیم بهار و بلبل باغ / گرم راز و نیاز خواهم شد

غنچه هم گفت: اگرچه ناراحت و غمگینم، دوباره مثل لبخند شکوفا خواهم شد و با نسیم بهاری و بلبل باغ، مشغول گفت‌وگو خواهم شد. **دانش‌های دایه** «باز، نیاز: قافیه/ تشبیه: غنچه به لبخند شبیه شده است./ بهار، بلبل، باغ، غنچه: مراعات نظیر/ دل‌تنگ بودن: کنایه از غمگینی و ناراحتی/ گفتن غنچه: تشخیص (جان‌بخشی)»

جوجه گنجشک گفت: می‌خواهم / فارغ از سنگ بچه‌ها باشم  
 روی هر شاخه جیک جیک کنم / در دل آسمان، رها باشم

جوجه گنجشک گفت: می‌خواهم از دست اذیت و آزار بچه‌ها در امان باشم. روی شاخه‌های درخت مشغول جیک جیک کردن باشم و در دل آسمان آزاد و آسوده پرواز کنم.

**دانش‌های دایه** «بچه‌ها، رها: قافیه/ باشم: ردیف/ فارغ: مسند/ گفتن جوجه گنجشک و ترکیب دل آسمان: تشخیص (جان‌بخشی)»



جوجه کوچک پرستو گفت: کاش با باد رهسپار شوم  
تا افق‌های دور، کوچ کنم باز پیغمبر بهار شوم

جوجه کوچک پرستو گفت: ای کاش من هم با باد همراه و روانه شوم و بتوانم تا کرانه‌های آسمان پرواز کنم و دوباره پیام‌آور فصل بهار شوم.

**دانش‌های جدید** رهسپار، بهار: قافیه / شوم: ردیف / جوجه پرستو گفت: تشخیص (جان‌بخشی)

جوجه‌های کبوتران گفتند: کاش می‌شد کنار هم باشیم  
توی گلدسته‌های یک گنبد روز و شب، زائر حرم باشیم

جوجه‌های کبوتران گفتند: ای کاش می‌توانستیم کنار هم جمع شویم. روز و شب داخل گلدسته‌های یک گنبد، همه وقت زیارت‌کننده حرم باشیم. (مشغول راز و نیاز شویم.)

**دانش‌های جدید** هم، حرم: قافیه / باشیم: ردیف / جوجه‌های کبوتران گفتند: تشخیص (جان‌بخشی) / روز و شب: تضاد / در بیت اول، جمله اول خبری و جمله دوم عاطفی است. / گلدسته، گنبد، زائر، حرم: مراعات نظیر

زنگ تفریح را که زنجره زد باز هم در کلاس غوغا شد  
هر یک از بچه‌ها به سویی رفت و معلم دوباره تنها شد

همین‌که سیرسیرک زنگ تفریح را به صدا درآورد، دوباره کلاس پر از سروصدای بچه‌ها شد. بچه‌ها هر یک به سویی رفتند و دوباره معلم در کلاس تنها شد.

**دانش‌های جدید** غوغا، تنها: قافیه / شد: ردیف / زدن زنگ تفریح به دست زنجره: تشخیص (جان‌بخشی) / زنگ تفریح: مفعول

با خودش زیر لب، چنین می‌گفت: آرزوهایتان چه رنگین است  
کاش روزی به کام خود برسید بچه‌ها، آرزوی من این است

معلم زیر لب زمزمه می‌کرد: بچه‌ها، آرزوهایتان چه قدر زیباست! تنها آرزوی من این است که در آینده، همگی به آرزوهایتان برسید.

**دانش‌های جدید** رنگین، این: قافیه / است: ردیف / مصراع اول جمله خبری و مصراع دوم جمله عاطفی است.

(قالب شعر: چهارپاره)

### حکایت: اندرز پدر

یاد دارم که در ایام طفولیت، متعبد و شب‌خیز بودم.

یادم هست که در دوران کودکی، شب‌ها برمی‌خاستم و به عبادت خدا می‌پرداختم.

شبی در خدمت پدر، رحمة الله علیه، نشسته بودم و همه شب، دیده بر هم نیسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته.

یک شب در حضور پدرم، که رحمت خدا بر او باد، نشسته بودم و تمام شب بیدار بودم و قرآن مجید را در آغوش گرفته بودم و گروهی در اطراف ما خوابیده بودند.

پدر را گفتم: از اینان، یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگذارد. چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند.

به پدرم گفتم: از این افراد حتی یکی هم بیدار نمی‌شود که نماز صبح بخواند. آن‌چنان در خواب غفلت و بی‌خبری فرو رفته‌اند که انگار در خواب نیستند، بلکه مرده‌اند.

گفت: جان پدر! تو نیز اگر بختی، به از آن که در پوستین خلق، آفتی.

پدرم گفت: ای فرزند عزیز! تو هم اگر بخوابی، بهتر از آن است که پشت سر مردم غیبت کنی.

## دانش‌های زبانی و ادبی

**تذکره ۱** به بیت‌های زیر توجه کنید:

«زنگ تفریح را که زنجره زد»  
«هر یک از بچه‌ها به سویی رفت»

«باز هم در کلاس غوغا شد»  
«و معلّم دوباره تنها شد»

هر یک از عبارت‌های داخل « » دارای معنی کامل است. به این بخش‌ها جمله می‌گویند. هنگام سخن گفتن یا نوشتن، برای انتقال پیام به شنونده یا خواننده از جمله استفاده می‌شود.

تعداد جمله: برای یافتن تعداد جمله باید به نکته‌های زیر توجه کنیم:

۱- فعل‌های موجود در یک بیت یا عبارت، یک جمله به حساب می‌آیند.

**مثال:** علی به خانه آمد و رفت ← ۲ جمله

۲- فعل‌های حذف شده، جزئی از جمله به حساب می‌آیند.

**مثال:** هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده (است) ← ۲ جمله

۳- شبه‌جمله‌ها به تنهایی یک جمله به حساب می‌آیند.

شبه جمله بر دو نوع است: ۱- منادا ۲- اصوات

منادا: کلمه‌ای که مورد خطاب (صدا و ندا) قرار می‌گیرد، منادا نام دارد.

منادا معمولاً همراه حرف ندا (ای- یا- ا) می‌آید.

**مثال:** ای کمیل، گنجوران مال مرده‌اند.

حرف ندا منادا

بچه‌ها، آرزوی من این است: (ای) بچه‌ها، آرزوی من این است. (در این جمله، منادا همراه حرف ندا نیامده است.)

منادا

اصوات: واژگانی هستند که ما برای حالت‌هایی نظیر: آرزو، شادی، غم و ... استفاده می‌کنیم. مهم‌ترین اصوات عبارتند از: آفرین، مرحبا، به به، خوشا، افسوس، آه، دریغ، وای، ای کاش، سلام، بله، آری، حیف و ...

**مثال:** آه، دست پسرم یافت خراش ← ۲ جمله

اصوات فعل

تشخیص شکل صحیح حروف و درست‌نویسی از اهداف املاست.

در هنگام نوشتن املا از به‌کاربردن واژه‌های «هم‌آوا» به جای یکدیگر پرهیز شود.

**تذکره ۲**

### واژگان مهمّ املائی درس

مونس روانم- هست کن- اساس هستی- کوتاه- قصّه نانموده- عنایت الهی- ظلمت- رهایی‌ام ده- از راه نیفتیم- دست آویز- توفیق- نظامی- خواجه عبدالله انصاری- فروغ- غوغا- انگار- موضوع تازه- شب‌نم برخاست- ذره ذره- غلتید- ابد- غنچه- فارغ- رها- رهسپار- افق- پیغمبر- زائر حرم- زنگ تفریح- زنجره- قیصر امین‌پور- اندرز پدر- ایام طفولیت- متعبّد- رحمة الله علیه- مصحف- طایفه- خفته- دوگانه‌ای بگزارد- خواب غفلت- در پوستین خلق افتی

## سوالات امتحانی

### واژگان

معنی کلمات مشخص شده را بنویسید.

- |    |                                       |    |                            |
|----|---------------------------------------|----|----------------------------|
| ۱  | ای کارگشای هر چه هستند                | ۲  | مصحف عزیز برکنار گرفته     |
| ۳  | ای یاد تو مونس روانم                  | ۴  | کوتاه ز درت درازدستی       |
| ۵  | هم تو به عنایت الهی                   | ۶  | جهان، جمله فروغ روی حق دان |
| ۷  | دست گیر که دست آویز نداریم.           | ۸  | تا افق‌های دور کوچ کنم     |
| ۹  | باز پیغمبر بهار شوم                   | ۱۰ | زنگ تفریح را که زنهره زد   |
| ۱۱ | فارغ از سنگ بچه‌ها باشم               | ۱۲ | کاش روزی به کام خود برسید  |
| ۱۳ | در ایام طفولیت، متعبّد و شب‌خیز بودم. |    |                            |

### معنی اشعار و عبارات

معنی بیت‌ها و عبارات زیر را بنویسید.

- |    |  |
|----|--|
| ۱۴ | یاد دارم که در ایام طفولیت متعبّد و شب‌خیز بودم.                   |
| ۱۵ | همه شب دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز برکنار گرفته.                  |
| ۱۶ | چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند.             |
| ۱۷ | تو نیز اگر بخفتی، به از آن که در پوستین خلق افتی.                  |
| ۱۸ | الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم. |
| ۱۹ | جهان، جمله فروغ روی حق دان   |
| ۲۰ | از ظلمت خود، رهایی‌ام ده   |
| ۲۱ | غنچه هم گفت: گرچه دل تنگم  |
| ۲۲ | ای هست کن اساس هستی  |
| ۲۳ | با نسیم بهار و بلبل باغ  |
| ۲۴ | دست گیر که دست آویز نداریم، توفیق ده، تا در دین استوار شویم.       |
| ۲۵ | هم قصه نانموده، دانی   |
| ۲۶ | ای کارگشای هر چه هستند   |
|    | حق اندر وی ز پیدایی است پنهان                                      |
|    | با نـور خود آشنایی‌ام ده   |
|    | مثل لبخند، باز خواهم شد  |
|    | کوتاه ز درت، درازدستی  |
|    | گرم راز و نیاز خواهم شد  |
|    | هم نامه ناوشسته، خوانی   |
|    | نام تو، کلید هر چه بستند   |

### خودارزیابی، کار گروهی و فعالیت‌های نوشتاری

- |    |   |
|----|---|
| ۲۷ | چه کسانی در کلاس جنگل سبز، آرزوهای خود را مطرح کردند؟ |
| ۲۸ | منظور شبنم از جمله «می‌خواهم آفتاب شوم» چیست؟         |
| ۲۹ | اگر شما در جنگل سبز بودید، چه آرزویی داشتید؟          |

۳۰ تعداد جمله‌های بند دوم شعر (بیت ۳ و ۴) را بنویسید.

۳۱ واژه صحیح را با توجه به معنی جمله، در جای خالی قرار دهید.

(آ) مسلمانان دو ماه محرم و ..... را گرامی می‌دارند. (سفر، صفر)  
(ب) هیچ‌کس او را نمی‌شناسد؛ او در این جا ..... است. (قریب- غریب)

۳۲ با حروف زیر، چهار کلمه بنویسید که ارزش املائی داشته باشد.

م، ح، ر، ز، ت، ی

.....

### درک مطلب

۳۳ با توجه به ابیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید.

ای نام تو بهترین سرآغاز  
ای کارگشای هرچه هستند  
ای هست کن اساس هستی  
هم قلمت نانموده، دانی  
از ظلمت خود، ره‌هایی‌ام ده

(آ) در بیت آخر منظور از «خود» اول و دوم چیست؟

(ب) منظور شاعر از «ظلمت» در بیت پایانی چیست؟

(پ) در بیت اول منظور از «نامه» چیست؟

(ت) بیت «دروم را به نور خود برافروز / زبانم را ثنای خود درآموز» با کدام بیت بالا ارتباط معنایی دارد؟

(ث) عبارت «خداوند، بدون هیچ کاستی و کمبودی جهان را آفریده است.» با کدام مصراع ارتباط معنایی دارد؟

(ج) کدام بیت با جمله «داننده آشکار و نهان است.» ارتباط معنایی دارد؟

۳۴ با توجه به عبارات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم، دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا، در چاه نیفتیم، دست گیر که دست آویز نداریم، توفیق ده، تا در دین استوار شویم، نگاه‌دار تا، پریشان نشویم.»

(آ) مفهوم بیت «گر هزاران دام باشد هر قدم / چون تو با مایی نباشد هیچ غم» از کدام جمله فهمیده می‌شود؟

(ب) در جمله پایانی «نگاه دار» به چه معناست؟

(پ) منظور از «راه» و «چاه» در عبارت «دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا، در چاه نیفتیم.» چیست؟

(ت) در جمله اول منظور از «جان بازیم» چیست؟

(ث) در عبارت «جانی ده که کار آن جهان سازیم» منظور از «آن جهان» چیست؟

۳۵ در مصراع زیر منظور از واژگان خط کشیده شده چیست؟

کوته ز درت درازدستی

۳۶ با توجه به شعر زنگ آفرینش، آرزوی کدام یک درست نیست؟

(آ) غنچه، با نسیم بهار و بلبل باغ گرم راز و نیاز خواهد شد.

(ب) شب‌نم ابر شود و دوباره آب شود.

(ب) جوجه کوچک پرستو، فارغ از سنگ بچه‌ها باشد.

(ت) جوجه‌های کبوتران، روز و شب زائر حرم باشند.

۳۷ در عبارت زیر منظور از «دوگانه» چیست؟

یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد.

۳۸ مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

(پ) در پوستین خلق افتادن:

(ب) گرم چیزی بودن:

(آ) از گرد راه رسیدن:



دانش‌های زبانی و ادبی

۳۹

ابیات زیر چند جمله دارد؟ هر یک را جداگانه مشخص کنید.

دانه آرام بر زمین غلتید رفت و انشای کوچکش را خواند  
گفت: باغی بزرگ خواهم شد تا ابد سبزه سبزه خواهم ماند

۴۰

کدام بیت آرایه تشخیص ندارد؟

آ) صبح یک روز نوبه‌اری بود روزی از روزهای اول سال  
ب) جوجه گنجشک گفت: می‌خواهم فارغ از سنگ بچه‌ها باشم  
پ) شب شنفته است مناجات علی جوشش چشمه عشق ازلی

۴۱

متضاد واژگان زیر را از ابیات داده شده بیابید و بنویسید.

۱- رها	۲- گرفتار	۳- خفته	۴- غفلت	۵- روشنی	۶- سست
آ) از ظلمت خود، رهایی‌ام ده	ب) به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من	پ) تا نکنی جای قدم استوار	ت) جوجه گنجشک گفت: می‌خواهم	ث) چو اندر شهر گشت این داستان نو	ج) بیدار شو که پیچک و میخک، نسیم و برگ

۴۲

برای واژگان زیر دو هم‌خانواده بنویسید.

آ) مونس:	ب) ظلمت:	پ) بینایی:	ت) فروغ:	ث) جمع:
ج) موضوع:	چ) زائر:	ح) حرم:	خ) متعبد:	

۴۳

آرایه هر بیت را مقابل آن بنویس.

آ) دانه آرام بر زمین غلتید	رفت و انشای کوچکش را خواند	(
ب) تا معلّم ز گرد راه رسید	گفت با چهره‌ای پر از خنده	(

۴۴

من کیستم؟

«از عارفان مشهور قرن هشتم و از علمای تبریز هستم. معروف‌ترین اثر شعری من «گلشن راز» نام دارد.»

۴۵

نام نویسنده آثار زیر را بنویسید.

آ) آیینه‌های ناگهان: (ب) الهی نامه:

۴۶

تفسیر قرآن ..... اساس کار رشیدالدین میبدی در تألیف کتاب ..... قرار گرفته است.

۴۷

جامی در کتاب ..... و قآنی در کتاب ..... از گلستان سعدی تقلید کرده‌اند.

۴۸

قافیه و ردیف بیت زیر را مشخص کنید.

عیب است بزرگ، بر کشیدن، خود را وز جمله خلق، برگزیدن، خود را

۴۹

با توجه به دو بیت زیر، به موارد خواسته شده پاسخ دهید.

زنگ تفریح را که زنجیره زد	باز هم در کلاس غوغا شد
هر یک از بچه‌ها به سویی رفت	و معلّم دوباره تنها شد
آ) مفعول مصراع اول: .....	ب) مسند در مصراع دوم: .....
	پ) نهاد در مصراع چهارم: .....

۵۰

زیر جمله چهارم خط بکشید.

پانزده روز مرخصی‌ام مثل باد گذشت. دیگر زمان رفتن بود. آن روز صبح باید ساعت نه جلوی در پادگان باشیم تا از همان‌جا به جبهه اعزام شویم. وقتی از خواب بلند شدم، عزا گرفته بودم.

۵۱

تشخیص شکل ..... و ..... از اهداف املاست.

۵۲

در هنگام نوشتن املا از به کار بردن واژه‌های ..... به جای یکدیگر پرهیز شود.

۵۳

در بین گروه واژگان زیر غلط‌های املائی را بیابید و صحیح هر یک را بنویسید.

هست کن اثاث هستی - قصه ناموده - عنایت الهی - ضلمت و تاریکی - توفیق رفیق - غوقای بهار - موضوع تازه - برخاستن شب‌نم - فارغ و آسوده - مسحف و قرآن - دوگانه‌ای بگذارد - خواب غفلت

## سوالات چهار گزینه‌ای درس

- ۵۴ کدام شخصیت از مقلدان گلستان نیست؟  
 (۱) جامی  (۲) قانلی  (۳) خواجه عبدالله انصاری  (۴) قائم مقام فراهانی
- ۵۵ در کدام عبارت، فعل وجود ندارد؟  
 (۱) در ایام طفولیت معتد و شب‌خیز بودم  (۲) آخرین برنامه مجموعه تلویزیونی نود  (۳) چه آثار باشکوهی آفریده‌اید  (۴) برای اتمام تحصیلات به بغداد رفت
- ۵۶ در بین گروه واژگان زیر چند غلط املائی یافت می‌شود؟  
 ظلمت شب - غلتیدن دانه - اثاث هستی - مصحف عزیز - غوغای زنجره - عنایت حق - مونس روان - غصه ناموده - زمان ابد - برخواستن شب‌نم - فروق روی دوست - پوستین خلق  
 (۱) دو  (۲) سه  (۳) چهار  (۴) پنج
- ۵۷ مفهوم بیت «جهان، جمله فروغ روی حق دان / حق اندر وی ز پیدایی است پنهان» از کدام گزینه یافت می‌شود؟  
 (۱) ای یاد تو مونس روانم / جز نام تو نیست بر زبانم  (۲) توی گلدسته‌های یک گنبد / روز و شب، زائر حرم باشیم  (۳) بر درختی، شکوفه‌ای خندید / در کتابی بهار، معنا شد  (۴) به دریا بنگرم، دریا تو بینم / به صحرا بنگرم، صحرا تو بینم
- ۵۸ همه گزینه‌ها به‌جز گزینه ..... از آثار قیصر امین‌پور است.  
 (۱) به قول پرستو  (۲) مثل چشمه مثل رود  (۳) پریشان  (۴) تنفس صبح
- ۵۹ عبارت زیر شامل چند جمله است؟  
 «الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم، دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم، دست‌گیر که دست‌آویز نداریم، توفیق ده، تا در دین استوار شویم، نگاه دار تا پریشان نشویم.»  
 (۱) دوازده  (۲) سیزده  (۳) چهارده  (۴) پانزده
- ۶۰ در کدام بیت هم آرایه تشبیه و هم آرایه تشخیص وجود دارد؟  
 (۱) دانه آرام بر زمین غلتید رفت و انشای کوچکش را خواند  (۲) جوجه گنجشک گفت: می‌خواهم فارغ از سنگ بچه‌ها باشم  (۳) جوجه کوچک پرستو گفت: کاش با باد ره‌سپار شوم  (۴) غنچه هم گفت: گرچه دل‌تنگم مثل لبخند، باز خواهم شد

## پایخ سوالات امتحان

- ۱۳۶۱ به قسمت معنی واژگان درس مراجعه کنید.
- ۲۶۵۱۴ به قسمت معنی و مفهوم درس مراجعه کنید.
- ۲۷ شبنم، دانه، غنچه، جوجه گنجشک، جوجه پرستو، جوجه‌های کبوتران، معلم
- ۲۸ روحیه کمال‌طلبی، رشد، تعالی و پویایی شبنم را مطرح می‌کند که دوست دارد در چرخه زندگی به کمال برسد.
- ۲۹ (فعالیت دانش‌آموز) برای نمونه: آرزو می‌کردم جای رود بودم. پس از جاری شدن و طی کردن مسافت‌های بسیار و کسب تجربه‌های گوناگون به دریا می‌پیوستم.
- ۳۰ ۴ جمله است:  
 بچه‌ها گرم گفت‌وگو بودند / باز هم در کلاس غوغا بود،  
 ۱ هر یکی برگ کوچکی در دست (داشت)  
 ۲  
 باز انگار زنگ انشا بود.  
 ۳
- ۳۱ (آ) صفر (ب) غریب
- ۳۲ زحمت، حرم، حریم، تمیز و ...

- ۴۳ (آ) تشخیص (ب) کنایه: از گرد راه رسید
- ۴۴ شیخ محمود شبستری
- ۴۵ (آ) قیصر امین پور (ب) خواجه عبدالله انصاری
- ۴۶ خواجه عبدالله انصاری، کشف الاسرار
- ۴۷ بهارستان، پریشان
- ۴۸ برکشیدن و برگزیدن: واژگان قافیه/ خود را: ردیف
- ۴۹ (آ) زنگ تفریح (ب) غوغا (پ) معلم
- ۵۰ تا از همان جا به جبهه اعزام شویم.
- ۵۱ صحیح حروف و درست نویسی
- ۵۲ هم آوا
- ۵۳ هست کن اساس هستی- ظلمت و تاریکی- غوغای بهار- مصحف و قرآن- دوگانه‌ای بگزارد
- ۵۴ گزینه (۳)
- ۵۵ گزینه (۲)- در گزینه (۱) بودم / در گزینه (۳) آفریده‌اید/ در گزینه (۴) رفت فعل هستند.
- ۵۶ گزینه (۳)- اثاث هستی، غصه ناموده، برخاستن شب‌نم و فروق روی دوست غلط هستند. (اساس هستی- قصه ناموده، برخاستن شب‌نم- فروغ روی دوست)
- ۵۷ گزینه (۴)- در صورت سؤال و گزینه (۴) می‌توان از روی طبیعت و پدیده‌ها خداوند را درک کرد.
- ۵۸ گزینه (۳)- پریشان اثر قآنی است.
- ۵۹ گزینه (۴)- الهی، دلی ده که در کار تو جان بازمی، جانی ده  
۱ ۲ ۳ ۴  
که کار آن جهان سازیم،  
۵  
دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا، در چاه نیفتیم،  
۶ ۷ ۸ ۹  
دست‌گیر که دست‌آویز نداریم،  
۱۰ ۱۱  
توفیق ده تا در دین استوار شویم، نگاه‌دار تا پریشان نشویم.  
۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵
- ۶۰ گزینه (۴)- غنچه گفت: تشخیص / مثل لبخند باز خواهم شد: تشبیه

- ۳۲ (آ) خود اول انسان یا شاعر، خود دوم خداوند (ب) منظور از «ظلمت»، جهل، گمراهی و تاریکی است. (پ) مقصود از «نامه»، کتاب می‌باشد. (ت) با بیت «از ظلمت خود رهایی‌ام ده / با نور خود آشنایی‌ام ده» ارتباط دارد. (ث) ای هست کن اساس هستی (ج) هم قصه ناموده، دانی / هم نامه ناموشته، خوانی
- ۳۳ (آ) جمله پایانی «نگاه‌دار تا پریشان نشویم» زیرا شاعر در بیت می‌گوید: اگر خداوند به کمک انسان آید، هیچ غمی نخواهد داشت و در عبارت نگاه‌دار تا پریشان نشویم نویسنده از خدا می‌خواهد که از او مراقبت کند تا غمگین و پریشان نشود. (ب) کنایه از مراقبت و محافظت کردن (پ) منظور از «راه»، راه راست و درست و منظور از «چاه»، گمراه شدن و گرفتار شدن در دام‌های دنیایی است. (ت) منظور از «جان‌بازیم» به شهادت برسیم، جان خود را فدا کنیم. (ث) منظور از «آن جهان»، جهان آخرت است.
- ۳۵ در: درگاه/ درازدستی: ستمگری، زورگویی
- ۳۶ (ب)، زیرا جوجه گنجشک چنین آرزویی داشت.
- ۳۷ نماز صبح
- ۳۸ (آ) از گرد راه رسیدن: تازه وارد شدن، لحظاتی پیش وارد شدن (ب) گرم چیزی بودن: مشغول چیزی شدن (پ) در پوستین خلق افتادن: غیبت کردن
- ۳۹ دانه آرام بر زمین غلتید (۱) رفت (۲) و انشای کوچکش را خواند (۳) گفت: (۴) باغی بزرگ خواهم شد (۵) تا ابد سبز سبز خواهم ماند (۶)
- ۴۰ (آ)، در بیت (ب) جوجه سخن می‌گوید و در بیت (پ)، شب می‌شنود.
- ۴۱ رها: اسیر، با توجه به بیت (ب) گرفتار: فارغ، با توجه به بیت (ت) خفته: بیدار، با توجه به بیت (ج) غفلت: آگاهی، با توجه به بیت (ث) روشنی: ظلمت، با توجه به بیت (آ) سست: استوار، با توجه به بیت (پ)
- ۴۲ (آ) مونس: انس، انیس (ب) ظلمت: ظلم، ظالم (پ) بینایی: بینا، بیننده (ت) فروغ: فارغ، فراغت (ث) جمع: مجموع، جامع (ج) موضوع: وضع، اوضاع (چ) زائر: زیارت، زوآر (ح) حرم: حریم، محرم (خ) متعبد: عبد، عابد